

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۱۰ * (۸ رجب ۱۳۵۰)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره مرخصی
- ۳) تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه
- ۴) شور ثانی اصلاح قانون سجل احوال
- ۵) تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله
- ۶) شور اول لایحه تعیین تکلیف بقایای مالیاتی
- ۷) تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر مابله
- ۸) مرفوع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه سیزدهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

- [۱ - تصویب صورت مجلس]
- رئیس - آقای طهراني .
- طهرانی - قبل از دستور .
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد)
- خیر) صورت مجلس تصویب شد .
- [۲ - تصویب دو فقره مرخصی]
- رئیس - آقای اعتبار پیشنهادی کرده اند قرائت میشود .
- مقام منبع ریاست محترم مجلس دامت شوکة
- پیشنهاد میکنم خیر کمیسیون عراض مربوط بمرخصی
- آقای اقبال مطرح شود .
- رئیس - آقای اعتبار .
- اعتبار - بنده اساساً فکر خودم این است که مرخصی
- ها ترتیب منظمی داشته باشد و بالاخره نمایندگانی که
- کاردارند هر جا که میروند در يك حدود معین و بایک

** عین مذاکرات مشروح پنجاه و چهارمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)
دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده : غائبین با اجازه - آقایان ملک مدنی - حاج میرزا حسین جان فاطمی - لیقوانی - اسفندیاری - دکتر طاهری - آشتیانی - محمد علی میرزا دولتشاهی - مجد ضیائی - اسدی - معتمد سنک - عدل - دکتر سنک - روحی - آصف - میرزا ابوالحسنان پیرنیا - رهنما - یونس آقا وهاب زاده - دکتر سمعی - قهیبی - سید کاظم یزدی - محمود ثابتی - منتضدی

غائبین بی اجازه - آقایان : تیمورتاش - حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر امیراعلم - اعظم زنگنه - دکتر شیخ - رهبری - بوشهری - میرزا محمد تقی بروردی - عبدالحمین خان دیا - آقا رضا مهدوی - اسد - ملک آرائی - افسر - محمد ناصر خان قشقائی - قوام - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : مرتضی قلیخان بیات - دادور

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : میرزا سید مهدیخان فاطمی - کازرونی

ترتیب منظمی بتوانند از مرخصی ها استفاده کنند و بکارهای دیگری که احتیاج دارند برسند ولی از طرفی هم در يك مواقع ضروری که نظیرش برای آقای اقبال پیش آمده است و البته همه آقایان مسبوق هستند که ایشان بکمصیبت جدید و يك گرفتاری برایشان پیدا شده و بایستی در این نوع مواقع مجلس هم مساعدت کند و اشخاصیکه احتیاج ضروری پیدا میکنند مرخصیشان را تصویب کند باین جهت بود که بنده پیشنهاد کردم که مرخصی آقای اقبال مطرح شود و موافقت بشود تا اینکه ایشان بتوانند بگرفتاری که اخیراً برای ایشان پیش آمده است رسیدگی کنند .

(عده از نمایندگان - صحیح است)

خبر مرخصی آقای اقبال

نماینده محترم آقای اقبال بواسطه حوادث غیر مترقبه که برایشان روی داده و ناچار مجبور بمسافرتی بخراسان برای سرپرستی از بازماندگان مرحوم اخوی خود گردیده اند تقاضای دوماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با در نظر گرفتن مراتب استحقاق ایشان و مطالعات لازم در مورد تقاضای فوق الذکر بانقضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقای روحی .

روحی - عرضی ندارم .

رئیس - موافقین بامرخصی آقای اقبال قیام فرمایند . (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . به آقای دکتر احتشام هم یکماه مرخصی داده اند قرائت میشود .

خبر مرخصی آقای دکتر احتشام

نماینده محترم آقای دکتر احتشام بواسطه کسالت مزاج و رسیدگی بامورات محلی تقاضای یکماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با اختصاص يك عشر از مقرری این مدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم بانقضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - موافقین بامرخصی آقای دکتر احتشام قیام

ممکن است دولت متعددی را امیدوار بکند باینکه پیش میبرد این است که طرف مقابل وسائل برای دفاع خودش نداشته باشد وسیله مهم هم در این مسائل پول است پس باید بآن دولت و ملت مظلوم مساعدت مالی کرد که او بتواند از عهده دفاع بر بیاید که همین اسباب این شود که طرف مقابل هم ملاحظه کرده و دیرتر اقدام بکند با اقدامات متعاضنه و متعديانه این يك قرارداد است راجع باینکه در يك چنین مواقعی دول هرکدام چه مساعدتی بکنند با آن دولتی که طرف تعرض واقع میشود این را هم دولت ایران قبول کرده است و حالاً تقدیم مجلس شورای ملی میشود

[۵ - شور ثانی لایحه اصلاح قانون سجل احوال]

رئیس - خبر بین الشوریون کمیسیون داخله راجع باصلاح قانون سجل احوال :

خبر کمیسیون

کمیسیون داخله لایحه شماره ۱۸۶۸۹ دولت راجع باصلاح قانون سجل احوال را برای شور دوم باحضور آقای وزیر داخله مطرح و با در نظر گرفتن پیشنهادات واصله ضمن شور اول لایحه مزبور را با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را بشرح ذیل تقدیم میدارد :

ماده واحده - مواد ۷ و ۸ و ۹ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مردادماه ۱۳۰۷ نسخ و بجای آنها مواد ذیل تصویب و ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود .
ماده ۷ - پس از انقضاء یکسال از تاریخ اجراء مقررات راجعه بسجل احوال در هر حوزه کسانیکه ورقه یا کتابچه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که بر طبق مواد ۱ و ۴ و ۵ و ۶ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ بعهده آنها قرار گرفته انجام ندهند علاوه بر اینکه بموجب حکم محکمه محکوم به انجام تکالیف مزبوره می شوند بحبس تأدیبی قابل اشیاع نیز از هشت روز تا دو ماه از فرار روزی از پنج تا پنجاه قران محکوم خواهند گردید و در صورتی که خود آنها تا ده روز بعد از ابلاغ حکم قطعی تکلیف خود را راجع باسناد سجلی و یا ثبت واقعه انجام ندهند مامورین نظمی در شهر ها و مامورین

امنیه در قصبات و قراء آنها را برای انجام تکلیف نزد مامورین سجل احوال محل حاضر خواهند نمود اشخاصی که قبل از اجراء این قانون تکالیف مزبوره را انجام نداده باشند در صورتیکه تا دو ماه از تاریخ اجراء اینقانون بتکالیف قانونی خود عمل کنند از تعقیب آنها صرف نظر میشود و الا مشمول مقررات این ماده خواهند بود

ماده ۸ - هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محکمه ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محکمه صلح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محکمه مزبور اسناد مذکور بموجب حکمی ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مزبور میتوانند بتصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت مامور سجل احوال رای محکمه را در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رای مزبور ورقه جدید صادر می نماید

در ورقه جدید باید این نکته قید شود که بموجب حکم محکمه و برای اصلاح ورقه سابق صادر شده است حکمی که بموجب این ماده صادر میشود فقط در باره متداعیین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است .

تبصره ۱ - هرگاه اوراق سجل احوال از حیث مقررات مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض اداره نظام وظیفه یا اداره سجل احوال گردد بطریقی که به موجب ماده ۹ مقرر است رفتار خواهد شد

تبصره ۲ - اشتباهاتی را که ممکن است در تنظیم اوراق سجل احوال از طرف اداره مربوطه بعمل آمده باشد میتوان با موافقت اداره سجل احوال و صاحب ورقه تصحیح نمود لیکن این تصحیح در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود .

تبصره ۳ - اگر در دعوائی که برای تصحیح اوراق سجل احوال در محکمه اقامه میشود اداره سجل احوال مستقیماً سمت مدعی یا مدعی الیه را نداشته باشد محکمه مکلف است دوسبه را با اداره سجل احوال ذیمدخل احاله نماید و اداره

مزبور باید فوراً عقیده خود را کتباً با دوسیه امر بمحکمه تسلیم کند و محکمه پس از ملاحظه عقیده اداره مزبور مطابق مقررات قانونی حکم مقتضی را صادر مینماید

ماده ۹ - نسبت باوراق هویتی که از طرف اداره کل نظام وظیفه یا اداره کل احصائیه و سجل احوال در هر حوزه اعم از مرکز و ولایات از حیث مقررات مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض واقع شود بوسیله هیئتی مرکب از حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده احصائیه و سجل احوال و یک نفر طبیب بانتخاب اداره نظام وظیفه و یک نفر معتمد محلی که با تصویب مأمورین مزبور دعوت میشود رسیدگی و رأیت آن با دوسیه مربوطه بطهران ارسال می گردد

در مرکز هیئتی مرکب از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و یک نفر طبیب بانتخاب اداره نظام وظیفه و یک نفر طبیب بانتخاب صحیه کل مملکتی و مدعی العموم ابتدائی یا نماینده او برپایورت مزبور رسیدگی خواهد کرد و رأی هیئت فوق الذکر که با اکثریت قطعی خواهد بود ابلاغ و مدلول آن در روی ورقه هویت و درستون ملاحظات دفاتر مربوطه قید میشود لکن این رأی فقط از نقطه نظر مقررات راجعه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود

اوراقی که تا تاریخ اجرای این قانون در محاکم عدلیه نسبت بانتهای رسیدگی به عمل آمده و احکام قطعی صادر گردیده مشمول مقررات فوق نخواهند بود.

رئیس - ماده واحده مطرح است. آقای مؤید احمدی **مؤید احمدی -** در جلسه گذشته که این لایحه مطرح بود بنده عرایض خود را عرض کردم لایحه که بکمیسون برگشته فقط يك اصلاحی در تبصره شده مطابق آن نظریه که آقای اعتبار بیان فرمودند از آن زندگی برداشته شده لکن در اصل قضیه تفاوتی نگرده عبارت اصلاح شده است عبارت در لایحه دولت بود که حکم عدلیه تأیید در قسمت نظام وظیفه نداشته او را برداشته اند لکن عبارتی گذاشته اند که تأثیر در بین متداعین دارد و مفهوم مخالف این است

اداره سجل احوال در تحت نظر وزارت داخله است و حاکم در محل که اداره سجل احوال جزء اداره اوست پس اگر مردم شکایت راجع با اعتراضشان داشته باشند بروند عدلیه لکن اگر مأمورین سجل احوال و نظام وظیفه اعتراض بورقه داشته باشند این بیاید باین محکمه که خودشان تشکیل کرده اند از اعضاء خودشان این نظر بنده چیز خوبی نیست یا هر دو بروند بیک محکمه بنده موافق میگوئیم این هم يك محکمه اختصاصی است همینطور بیکه دولت لازم دانست که برای مالیه يك محکمه مخصوصی تشکیل بکند ما هم رأی دادیم محکمه اش هم الان تشکیل است تا محاکم نظام اینهم يك محکمه باشد مردم شکایت دارند بیایند باین محکمه دولت شکایت دارد بیاید باین محکمه لکن تجزیه اش در يك قسمت بیک محکمه و يك قسمت بیک محکمه دیگر آنوقت خود دولت که اعتراض کننده میشود صلاحیت اینرا داشت که او برود بعدلیه بعکس میشود قضیه والا همانطوری که عرض کردم خود مدعی قاضی است و خود قاضی مدعی است و این چیز خوبی نیست مرجعش را هم عرض کردم که برای يك موضوع دو محکمه باشد و هم تشکیل محکمه اش با این اشخاص بعقیده بنده چیز خوبی نیست از این جهت بنده مخالفم.

وزیر داخله (آقای منصور) - اشکالی که آقا بنظرشان رسید راجع باین بود که رسیدگی باین قضیه تجزیه شده است بنده مرجع بنظر بنده و موافق روح این لایحه که تنظیم شده است اینطور نیست بلکه بهتر تفکیک شده بجهت اینکه گفتگوها و اختلافاتی که راجع باوراق هویت پیش میاید از چه نوع است هر نوع اختلافاتی که پیش میاید رجوع میشود بمحاکم هر طور حکم میدهند جاری میشود چنانچه در لایحه هم قید شده آنچه هم که تا تاریخ اجرای این قانون حکم داده شده است بموجب این قانون که حالا مطرح است حکم قطعی صادر شده باشد او هم اجراء میشود اما از این بعد چنانچه در جلسه سابق هم مذاکره شد نظر باینکه دولت به امور مربوطه بنظام وظیفه از حیث سن و اینها يك جنبه اداری بیشتر میدهد اینها را تفکیک

کردند بیک کمیسون اداری و اینکه آقا فرمودند کمیسون اداری و البته کمیسون اداری تحت مسئولیت دولت است و دولت هم نظرش با اجرای قانون است اعضاء کمیسون را هم خود دولت معین میکند. اینکه فرمودند اینها همه جزو مدعیان هستند اینها مدعی نیستند اینها همین میشوند برای اینکه رسیدگی و تفکیک بکنند دولت هم البته بعمل اینها نظر دارد مطابق این موازینی که در قانون معین میشود. دولت مسئول است و بوسیله اینها تحقیق و رسیدگی میکند و برای مزید اطمینان هم يك کمیسون محلی را هم کافی ندانستیم قرار گذاشتیم در کمیسونهای محلی يك رسیدگی های اولی بشود و نتیجه تحقیقات بیاید به يك کمیسون دیگری که در مرکز تشکیل میشود و اینجا مستقیماً در تحت نظر دولت است برای اینه آن قسمت از اختلافات را که جنبه اداری آن غلبه دارد در این کمیسون تفکیک و رسیدگی بشود. صلاحیت محاکم برای رسیدگی بکار های حقوقی و نوع این قبیل کارها که پیش میاید راجع باوراق هویت بجای خودش باقی است احکامشان هم مطاع است و مجری و آن قسمت هم که جنبه اداری درش فرض میشود و از نقطه نظر اداری بیشتر و بهتر میشود رسیدگی کرد به کمیسونهای و اگذار میشود که تکلیفش در این قانون معین است و تصور میکنم که اشکال و نگرانی باقی نماند.

رئیس - آقای فرشی

فرشی - بنده در ماده ۷ عرض دارم.

رئیس - بفرمائید

فرشی - عرض بنده در ماده هفت راجع به مجازاتی است که نوشته اند کسانی که از تاریخ اجرای سجل احوال تا یکسال ورقه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که بر طبق مواد ۱ و ۴ و ۵ و ۶ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ امرداد ۱۳۰۷ بمده آنها قرار گرفته انجام ندهند علاوه بر اینکه بموجب حکم محکوم بانجام تکالیف مزبوره میشوند بحسب تأدیبی قابل اتباع نیز از هشت

روز تا دو ماه از قرار روزی از پنج تا پنجاه قران محکوم خواهند گردید. ولی متأسفانه در اینجا برای مأمورینی که در اجرای این قانون یا قانون دیگر راجع بنظام و وظیفه و سجل احوال سوء استعمال میکنند و به حدود مردم تجاوزات میکنند هیچ جرمی نوشته نشده و اگر هم نوشته شده در این قانون اسمی برده نشده بنده عقیده دارم در یک تبصره برای متخلفین از قانون سجل احوال مجازاتی قائل شوند تا اقلاً مأمور در جلو چشم ببیند که اگر بحقوق مردم تجاوز کرد موجب يك مجازاتی خواهد بود.

وزیر داخله - همین اواخر بطوری که ملاحظه فرمودید يك قانونی برای مجازات مأمورین متخلف از این مقررات وضع شد که خیلی هم سخت است و مجازات شدید دارد و بنا بر این مسلم است که چون آن قانون بجای خودش وضع شده است دیگر تکراری لازم نداشته است در این قانون اگر مأمورین تخلف کنند و ثابت شود تخلف آنها بموجب همان قانون به مجازات میرسند بنا بر این نظر آقا هم نامین شده است.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده در شور اول این لایحه نبودم در مجلس این است که يك قدری در کلیاتش هم اجازه میخواهم نظریات خودم را عرض کرده باشم راجع به این قانون بنده خاطر دارم که دو دفعه دیگر برای این ماده ۹ دولت قانون به مجلس آورد و اختیار گرفت که اوراق سجل احوال را تجدید نظر کنند در همان موقع هم که اختیار گرفت چه دفعه اول و چه دفعه دوم ما آمدیم مدتی را معین کردیم که در مدت معینی دولت اوراق احصائیه و سجل احوال را که مشکوک میدانند در آنها اعمال نظر بکنند و آنها را تصحیح بکنند برای اینکه مردم راحت شده باشند از این زحمت حالا مجدداً بعد از آنکه سه سال از دوره آن قوانین گذشته است باز این لایحه آمده است و بطور دائم و ابندی اختیار دولت می گیرد که اوراق احصائیه و سجل احوال را تجدید نظر

که نیست همانطور که خود حضرتعالی فرمودید يك کمیسیون اداری است بيك نفری آمدند گفتند سن تو این است تو مشمول هستی این ورقه که صادر کرده ای که متولد سال ۱۲۸۰ هستی خیر ۱۲۸۴ هستی این را که ما راه مقری برایش قائل نیستیم که این بیچاره برود به محکمه و در محکمه رسمی محکوم بشود که سندی بدهند دستش که بگویند خیلی خوب رفته ایم در آنجا محکوم شده ایم. بعلاوه تا کی اختیار بدهیم بمأمورین احصائیه و سجل احوال که تجدید نظر بکنند بنده بهیچوجه با این موافق نیستم و عقیده ام این است که این مزاحم حال مردم است و باید دولت بطور کلی يك مدتی را در نظر بگیرد که اوراقی را که در نظر دارد تجدید نظر بکند و اوراقی که مشکوک است تصحیح بکند و بطور جدی همانطوری که وضعیت حکومت حاضره این است که اهالی راحت باشند و بافراغت مشغول کار باشند در وضع قانون باید همین منظور را در نظر گرفت والا این قانون را ما میگذرانیم اختیار هم میدهم بالاخره دوره این دائم است که اگر يك وقتی فرض کنید يك مأموری سوء نظری پیدا کرد بایک کسی و نظر خاصی پیدا کرد آن شخص را زحمت میدهد و بنده هم شخصاً از اشخاصی هستم که بانظام وظیفه موافق هستم و عقیده ام این است که هر کس باید برود و به مملکت خودش خدمت کند ولی این باعث این است که مردم باید حتماً دائماً متزلزل باشند باید اختیار داد بمأمورین آنها چه مأمورینی؟ مأمورین احصائیه بالاخره همان مأمورینی هستند که همه شان دون اشل هستند و اشخاصی نیستند که از مأمورین عالی رتبه دولت باشند و وضعیتشان بکطوری نیست که آدم نسبت بآنها اعتماد داشته باشد ممکن است فردا روی يك سوء نظری بیاید يك زاپرتی برای يك کسی بدهد تا این شخص بیاید خودش را از آن مرحله (یکیش مرحله محلی است و بعد مرحله مرکزی) راحت کند یکسال گرفتاری دارد اینست که بنده بهیچوجه با این قانون موافق نیستم اگر هم میخواهید این کار را بکنید شش ماه مدت قائل بشوید

در ظرف شش ماه هر چه اوراق میخواهید در این مملکت تجدید نظر بکنند کمیسیون داخله اصلاً روی این لایحه مطالعه نکرده است بنده هم اصلاً باعضاء کمیسیون داخله اعتراض دارم آنها مگر اهل این مملکت نیستند از اوضاع و احوال مردم اطلاع ندارند چرا مدت قائل نشدند؟! يك مدتی قائل بشوید اوراق را تصحیح کنید شش ماه مدت معین کنید تمام اوراق را تصحیح کنید مردم را بکدفعه راحت کنید. (صحیح است)

وزیر داخله - آقا مقصودشان این بود که تکلیف مردم راجع باوراق هویت بکدفعه معلوم بشود اگر دقت فرمایند خودشان تصدیق می فرمایند که این امر محال است برای اینکه ممکن نیست بکدفعه بتمام اوراقی که مورد نظر باشد رسیدگی کرد این اوراق بتدریج در ضمن جریان عمل بطوریکه در شور اول عرض کردم در موقعی که در اجرائیات قانون محتاج الیه شده و پیش می آید بهر کدام بر بخورند که معایبی داشته باشد اصلاح بشود بنا بر این نمیشود مدت قائل شد و نمیشود گفت يك دفعه درست است آن اوراقی که تا یکی دو سال قبل صادر شده است نظریاتیکه عرض کردم مأمورین تجاربی نداشته اند و مردم هم تکلیف خودشان را نمیدانستند در آن اوراق معایبی هست و باید آن معایب رفع شود ولی مایک تقیثی نمیخواهیم بکنیم تقیثی عمومی که در خانه های مردم نمیخواهیم بکنیم که تمام اوراق باید تصحیح شود. ما میخواهیم در اوراقی که در جریان قانونی پیش میآید برمیخوریم وسیله رسیدگی داشته باشیم. اگر يك مدتی معین کنیم ممکن است بسیاری از اوراق باز همینطور مغلوظ بماند و وسیله هم نداریم که اصلاح کنیم برای اینکه مدت خواهد گذشت و تمام این پیش بینی هائی هم که در این لایحه شده است برای دارندگان همان اوراق بوده است و بالاخره تکلیف آنها را معین کرده و رفع يك رشته زحمت عمده را از آنها میکند و بهیچوجه نگرانی ندارد.

رئیس - آقای طهرانی فرمایشی داشتید؟

طهرانی - موافقم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده دو نکته را لازم دانستم عرض کنم یکی اینکه آقای وزیر داخله فرمودند این کمیسیون است محکمه نیست لیکن بعقیده بنده از محکمه بالاتر است چرا؟ برای اینکه اگر محکمه ابتدائی يك رائی داد طرف حق استیناف دارد و استیناف اگر رائی داد حق تمیز دارد تمیز باز نقض میکند باز ارجاع میشود به محاکم و جریان قانونی لیکن این يك کمیسیون است که رأیش قطعی است مالان رأی میدهم که این کمیسیون رأیش قطعی است این از محکمه رأیش بالاتر است (امیر تیمور - صحیح است) و اما اینکه مدت قرار ندادند این اسباب زحمت است شما همه جا را طهران تصور نکنید در ولایات در دهات و قصبات هی اسباب زحمت میشوند حد که ندارد؟ هر ورقه که صادر کرده اند اعتراض میکنند میگویند آقا این ورقه غلط صادر شده اسباب زحمت برای عامه مردم فراهم میکنند لاف این زحمت را همانطوری که آقای ملک مدنی گفتند محدودش کنید شش ماه یکسال این زحمت باشد در این یکسال هر اصلاحی میخواهند بکنند هر جا که سوء ظن دارند اصلاحش کنند والا همینطور الی الابد همیشه این حق را داشته باشند مأمورین که هر ورقه را میخواهند اصلاح کنند این حد بقیف ندارد این است بنده پیشنهاد کردم مدت را یکسال قرار بدهند.

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است قرائت میشود:

تبصره ذیل را بماده نه پیشنهاد میکنم.

تبصره - در صورتیکه ثابت شود که مأموری برخلاف حقیقت روی نظر خصوصی شخصی را مورد تعقیب قرار داده آن مأمور تعقیب و برای همیشه از خدمت دولت منفصل میشود.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - البته قانون بایستی جامع باشد ما از یکطرف این اختیار وسیع را برای مأمورین قائل میشویم و از

وزارت داخله دست را باز میکند که رسیدگی کنند (صحیح است)

وزیر داخله - آقا ملاحظه فرمائید هر چه باشد هر چه جزئی هم باشد بدون ثبوت که نمیشود مجازات کرد عرض بنده این است که وقتی يك غلطی واقع شد باید رسیدگی بشود پس از ثبوت آنوقت به تناسب آن تخلف باید او را مجازات کرد شاید مستلزم انفصال ابد از خدمت نباشد بنابراین يك ظلمی خواهد بود بمأمورین همینقدر مرقوم فرمائید پس از ثبوت به مجازات برسد این کافی خواهد بود تمام این نظریات را حاوی است چون ممکن هم هست مستلزم انفصال ابد باشد يك مجازات دیگر هم جزویش باشد.

رئیس - آقا باینکه پیشنهاد آقای اعتبار را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. میرود به کمیسیون سایر پیشنهادات هم قهراً میرود بکمیسیون.

[۵- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله]

وزیر داخله - اجازه می فرمائید. لایحه ایست برای استخدام متخصص بطری سازی جهت مؤسسات صحی آبهای معدنی تقدیم میشود.

[۶- شور اول لایحه تعیین تکلیف بقایای مالیاتی]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به بقایای مالیاتی مطرح است گفته شده است چون طبع و توزیع شده قرائت آنها مفصل است دیگر لازم نیست خوانده شود مذاکره در کلیات است. آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - حقیقه بنده میخواهم امروز از دولت و مخصوصاً از آقای وزیر مالیه از تقدیم این لایحه تشکر کنم بعلم اینکه اطلاعاتی بنده در وزارت مالیه دارم که دوسیه های ضخیم و دفاتری راجع به بقایای مالیاتی در ولایات و در همه جا هست در ادارات مالیه باسم بقایا دوسیه هائی تنظیم شده است در حالی که وقتی که کاملاً به کتبه آنها رسیدگی کنیم می بینیم خیر بدهی هم نیست

لیکن دو نتیجه بد دارد. یکی آنکه بیچاره صاحب ملک با آن کسی را که مدیون میدانند همیشه متزلزل است بلکه یو لهایی را که سالهای بعد از او میگیرند باسم علی الحساب باو قبض میدهند. تا این که آن حساب تسویه شود. این يك عیب. يك عیب دیگر: يك اشخاصی از مأمورین وزارت مالیه باید همیشه مستحفظ آنها باشند. دوسیه هارا بیاورند و هر روز مراسله نوشته شود و يك عده اشخاصی هم دچار این زحمتند و امروز باید تشکر کرد که دولت و وزارت مالیه باین خیال افتاده که این هارا از دفاتر حذف کنند و البته نظرشان بارفاق است لیکن بنده يك اشکالی بر خورده ام و خواستم این جا عرض کنم تا به بینم آقای وزیر مالیه این را چه جور حل فرموده اند و در حین عمل چه باید کرد. و آن اینست اولاً بنده میخواهم يك چیزی را که بر خلاف تصور بعضی ها است عرض کنم و آن اینست که ملت ایران مالیات بده است یعنی مالیاتش را میدهد و عقیده دارد باین مسئله حالا ممکن است در بعضی شهرها بعضی اشخاص و متنفذین نخواهد مالیات بدهند. لیکن توده ملت اینطور نیست.

بنده خاطر هم هست که در بیست سال قبل رئیس عدلیه کرمان بودم از هر کسی دلیل تصرف میخواستم قبوض مالیاتی در میاورد و میگفت این مالیات هارا داده ام پس این ملک مال من است. پرداخت مالیات را دلیل مالکیت خودش قرار میداد و باز دیدم اشخاصیکه خدای احد و واحد شاهد است پیراهن به تن نداشت و پول داشت گفتم چرا پیراهن نمیخری. گفت این مال مالیات است توده اینطور است. ولی اشخاص دیگری هم بودند که متنفذ بودند مالیات نمیدادند و بهزار عناوین رد میکردند. حالا این بقایا چه جور پیدا شده باید اینرا فهمید. بقایا در اثر يك آفات و يك چیز هائی با ملاک واقع شده مثلاً پانزده سال بیست سال قبل ملخ آمده حاصل ملک را خورده، یا قنات را آب برده مأمور مالیه آمده دیده این ملک آنسال عایدی نداشته این است که آنسال را از مالیاتش صرف نظر کرده ولی سال بعد آمده و مطالبه کرده است. و مالیاتش را که داده است قبض علی الحساب بهش داده

تا آن حساب تصفیه شود. همینطور آمده و روهم جمع شده يك قسم بقایای دیگر بوده که بواسطه نا امنی ایجاد شده بود که الحمدلله از برکات اعلیحضرت همایونی دهسال است که آن موضوع از میانرفته و ماخیلی زود فراموش میکنیم. خیر والله در کرمان بنده یاد دارم که پانصد سوار باقبل منقل و آبداری و چادر میامدند و دهات را غارت میکردند سرتاسر کرمان و فسنجان سیرجان بروید تاراور که بین خراسان و کرمان واقعست همه را غارت کردند و رفتند آنسال مامورین مالیه نرفتند از مالکین دهات مالیات بگیرند دیدند نه مالک چیزی دارد نه رعیت. و هیچ چیزی نمانده لهنزارفته است. عمده این است که این بقایائی که از مردم باقیمانده از اینقبیل بقایا است که هنوز مانده. لکن مامور مالیه هم تقصیر نداشته است برای اینکه او نمیتواند که تخفیف مالیاتی باشخاص بدهد و امروز دولت از آن صرف نظر میکند. و امروز واقعاً بنده خیلی خوشوقتیم از این قسمت. ولی بنده يك مسئله را نتوانستم بفهمم و آن این است که در ماده اول مینویسد وزارت مالیه مجاز است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را باستانشای مواد ذیل:

الف) مالیاتهایی که ابواب جمع اشخاصی بوده و محاسبه خود را تصفیه ننموده اند.

ب) مالیات هائی که اشخاصی در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تا کنون محاسبه آنها خاتمه یافته است.

ج) بقایائی که بموجب قرارداد های مخصوص منعقد بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه واستهلاك آن داده شده است از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و مدیونین را از پرداخت معاف نمایند.

بقایای خرده مالکین که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد. - عرض کنم دو دو فقره ج و ب را بنده درست ملتفت شدم اشخاصی بده بدولت دارند لکن در مقابل هم طلب دارند این هارا البته نباید بخشید باید نشست و محاسبان رسیدگی کرد يك قسمت هم

اشخاصی هستند که يك قرار داد هائی بادولت بسته اند باید بقایایشان را بدهند اما قسمت اول قسمت الف بااصل ماده مخالف میشود (درست بعرض بنده توجه فرمائید) فرض کنید که زبندی هزار تومان مالیات ابوابجمعی داشته از بابت پنج قریه دوتا از آن قریه ها غارت شده دولت مطالبه ابوابجمعی را از او میکند در حالتی که ماده او را بخشیده درست نمیدانم می توانم مطلب را تقریر کنم که ملتفت باشید. مثلاً اینکه الان یادآوری میکنم به آقای وزیر مالیه دوسیه در وزارت مالیه دارد در صورتیکه به دوسیه اش رجوع فرمائید آنوقت عرض بنده را توجه میفرمائید. ضرام السلطنه رودباری يك مبلغی بده دارد. او میگوید من بقایائی در محل دارم که درسنه انفلوانزا عده از مردم مردند و من نتوانستم آن مالیاتها را جمع آوری کنم. یا فلان ده غارت شد یا صیفی امسالم بد بوده یا مالکی امروز بی پا شده و ازین رفته است. دولت میگوید تو ابوابجمعی داری و باید مالیاتش را بدهی در حالی که تا بیست تومان را دولت بخشیده و بعلاوه او باید از همان شخص بگیرد و بدهد. وقتی که شما او را بخشیدید او چه طور بگیرد و بدهد. این را بنده نتوانستم ملتفت بشوم که اسباب اشکال نشود. ناشما بآن شخصی که ابوابجمعی دارد رجوع کردید او هم بمالك رجوع میکند که دولت از من میخواهد و بده. او هم میگوید آقا من بموجب ماده يك تبرئه شده ام و نباید بدهم مرا عفو کرده دولت. خوب او از جیبش بدهد این را. البته دولت همچو نظری ندارد که آن مالیاتی را که او نکرده دولت از او بگیرد. بنده قطع دارم دولت چنین نظری ندارد. پس اینرا باید جوری نوشت که آنها را که دولت بخشیده و از مالیات حذف شده دیگر دوباره نگیرند. این یکی. موضوع دوم: يك قسم بدهی در وزارت مالیه است که آنها غیر از مالیات است يك اشخاصی يك بدهی هائی دارند مثلاً فلان آدم اجاره کاری کرده است در چند سال قبل از این او مدعی آفت شده و همینطور دوسیه اش هست یا اینکه معدنی را اجاره کرده است ولی میگوید فلان منتفد

بمن واگذار نکرده در این موقع خواستم به آقای وزیر مالیه تذکر بدهم که لطف فرمایند و يك فکریهم حالا برای این قبیل کارها فرمایند تا این دعوی هم از میان برداشته شود. این بود عرایض بنده.

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - از اینکه اکثر آقایان توجه دارند که این لایحه برای تصفیه کارهای معوقه مفید است و حسن ظنی دارند تشکر میکنم و در واقع هم همینطور است. قبل از همه باید این را عرض کنم که دولت آن مالیاتی را که طلبکار است در همان سالی که طلب دارد میگیرد اگر ماند سال آینده باز دنبال میکند و میگیرد. اگر هشت سال دیگر هم ماند (عمل حالیه این است) که آنها را مدیون خودش میداند و بدون هیچ قانونی آنرا میتواند بگیرد و آنرا حق خودش میداند و دنبال میکند ولی ما خواستیم همان طوری که آقای مؤید احمدی فرمودند البته متضمن ارفاق و متضمن انتظام کار است که اعمال مأمورین جزء مالیه هم سرش بیک قانونی بسته شده باشد. در یک جائی ممکن است مأمورین مالیه مسامحه کنند مثلاً جنس را بگیرد و در یک سال دیگری منظور کند و محصول را توقیف کند که از طرف بعضی از آقایان شکایت شده بود (بعضی از آقایان و کلاً کرمانشاهان میفرمودند) که برای بقایای هفده ساله محصول را توقیف کرده اند. این هم ممکن است پیش بیاید ما خواستیم که خود بقایا هم از روی یک قانونی تصفیه شود و همان طور که اظهار فرمودند بواسطه نظم و امنیت و انتظاماتی که در کار شده میشود بقایا کمتر پیش بیاید و دیگر پیدا نشود. و روز بروز کاملتر میشود بطوریکه حتی المقدور بقایائی باقی نخواهد ماند و کمتر خواهد بود. و این بقایای گذشته و این ماده همانطور که آقایان توجه فرموده اند يك چیزی است که البته باید درش بحث شود و بسیار متفح و مصفا شود ولی البته اطلاع دارند که در کمیسیون قوانین مالیه دوبار شور شده و مفصلاً درش بحث شده است. حتی آقایانیکه غیر از کمیسیون قوانین مالیه و علاقه مند بوده اند دعوت شدند و نظریاتشان خواسته شد و حتی در مجمع عمومی

آقایان و کلاً بحث شده است و نظر وزارت مالیه در اینجا گفته شده و بحث شده و نظریات همه در نظر گرفته شده لذا بنده انتظار داشته دارم که حتی المقدور مساعدت فرمایند که اینکار زودتر بگذرد و تصویب بفرمایند. چون بعضی ولایات در حال بلا تکلیفی است اما این که خود بقایا از کجا پیدا شده يك کلمه باید جواب عرض کنم که نمیشود گفت همه جا بقایا از این پیدا شده که آفت آمده است. بعضی جاها است که اصلاً مالک صاف صاف نداده و همانطور که فرمودند متنفذین و آنها (غالباً هم اینها هستند) که آن خورده مالک خیلی نا در است که نداده باشد) و همانطور که آقای مؤید احمدی فرمودند خیلی صحیح فرمودند. آن اندازه که بنده اطلاع دارم خورده مالک بعضی جاها هیچ نیست و اگر هم باشد آنها حاضرترین مردمند برای دادن مالیات یا عکس آنرا بگیریم زور و قدرت مأمورین مالیه در اینجا بیشتر بود که زودتر گرفته اند و آنها را که نداده اند غالباً از همان متنفذین بوده اند. مسئله آفت اینکه فلانجا آفت پیدا شده این غیر از این است آنرا در هر موقع در سال خودش هم می تواند اظهار کند که این ملك آفت زده و نمیتوانم مالیات بدهم رسیدگی میشود و پس از ثبوت میتواند تخفیف بخواهد. اینها خودش بکترتیت وقاعده دیگری دارد حالا هم که بقایا دارد وقتی رسیدگی میشود به بقایا و معلوم میشود که از بقایای مالیاتی يك قلمش از همان نوع و همان جنس است البته وزارت مالیه بموجب مقرراتی که هست منظور میدارد و اگر آفت زده است و يك دهی خراب بوده نباید مالیاتش را بخواهد. چنانچه در مواد دیگر هم ملاحظه میفرمائید. اما راجع بان ماده اول این اشتباهی که برای آقای مؤید احمدی حاصل شده شاید از کلمه ابوابجمعی باشد. دیدم وقتی که در کمیسیون و در خارج صحبت شد معانی مختلف به این کلمه ابوابجمع داده می شد. ابواب جمع باصطلاح مالیه بآن اشخاصی گفته میشد که آنها قائم مقام دولت بوده اند در جمع مالیات میگفت باین ایل یا این ولایت یا این بلوک شما کاری نداشته باشید مالیاتش را

ما تا ۳۰۴ خورده مالک را معاف کردیم و این اشکالی ندارد. و در ماده ۸ هم در باره ایلات، تکلیف اینها را معین کرده ایم. گفته اند که بدهی صاحب جمع ایلات را با وزارت مالیه مجاز است ترتیب تصفیه اش را بدهد بدون اینکه از روی مأخذ معینی باشد گذشتی بکنند و یک قرار دادی بگذارد. از این جهت تصور میکنم اشکالی ندارد و دقت های لازم شده (کلالی - صحیح است).

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - عرضی ندارم.

رئیس - آقایانی که برای ورود در مواد موافقت عقیده دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را باستثنای موارد ذیل: الف) مالیات هایی که ابواب جمع اشخاص بوده و محاسبه خود را تصفیه نموده اند.

ب - مالیات هایی که اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تاکنون محاسبه آنها خاتمه نیافته است ج - بقایائی که بموجب قرارداد های مخصوصی منعقده بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است.

از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و مدیونین را از پرداخت معاف نمایند. بقایای خرده مالکین که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد.

استثنای فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰ شمسی که بطور کلی و بلا استثناء معاف میشود نخواهد بود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - اولاً این را خواستم عرض کنم این که مکرر گفته میشود که این قانون برای ارفاق و شفقتی است که به مؤدیان میشود باید عرض کنم که این خیلی هم ارفاق

من میدهم کار مالیاتی آن با من است. دولت از او یک قلم فلان چیز را میخواست. این اشخاصی که در اینجا گفته شده که استثنا است معنیش این نیست که اینها باید حتماً معاف باشند. آنهایی که این نوع است او باید بیاید محاسبه اش را تصفیه کند تا وقتی که محاسبه اش را تصفیه نکرده است دولت نمی تواند بدش را قلم بزند و بگوید معاف است. وقتی آمد و محاسبه اش را تصفیه کرد و گفت یک چیزی در محل مانده. پس از تسویه حساب اگر دیدند چیزی که در محل مانده کمتر از بیست تومان است این شامل همان معافیت خواهد بود و دیگر از آن نمیگیرند. ولی اگر معلوم شد در موقع تصفیه محاسبه اش که در محل چیزی نمانده است و خودش گرفته و بدوات نداده است باید بدهد. آقایان باید توجه فرمایند که این استثناء معنی اش این نیست که در غیر این مستثنی ها معاف میشود و در مستثنی ها عکس آن حکم جاری میشود این طور نیست. مستثنی ها متوقف است. یعنی اگر کسی بده بدولت دارد باید رسیدگی شود ممکن است که این بقایا را در مقابل محاسبات بگذارند. حالا ما چطور می توانیم رویش را یک قلم بگذاریم یا این که مثل قسمت (ج) اگر قرار دادی با دولت منعقد شده و ترتیبش را داده اند، قانونی برای آن بگذاریم. آن مسئله اول هم مثل این است یعنی میگویند اگر اشخاصی ابواب جمع داشته اند مثل (ج) جیم هم مثل آنها است یعنی کسانی که ابواب جمع داشته ولی آمده اند قرارداد داده و تصفیه کرده اند که هیچ اما اگر ابواب جمع داشته ولی تصفیه نکرده اند محاسبه شان را البته آنرا ما نمی توانیم قلم رویش بگذاریم. او باید بیاید و حسابش را تصفیه کند در مواردی که مسئله بهر یک از مواد این قانون منطبق میشود البته همان حکم را خواهد داشت. اگر از خودش مالیات میخواهیم و قبل از ۱۲۹۰ است البته باید مستثنی شود. اگر راجع بخورده مالک است و پیش او مانده اگر کمتر از بیست تومان است اصلاً معاف است. آقایان توجه فرمایند. سابقاً تا ۳۰۲ گفته بودند

نیست (بعضی از نمایندگان - چرا) ملاحظه فرمائید مالیات ده سال پیش دوازده سال پیش پانزده سال پیش یک - موقعی بوده است که مردم بیچاره مخصوصاً رعایا و طبقه پائین دچار صدمات و غارتها و اشکالات زیادی بوده اند هر چه داشته اند برده اند حالا اگر دولت امروز وضعیتی پیدا کرده که آنها را از این خطر مصون میدارد اگر میگوید مالیات آن سالها را از آنها نمیگیریم یعنی اینکه اجحافات جدیدی به آنها نمیکنیم! پس این ارفاق زیادی نیست ولی از این اندازه هم تشکر میکنم که رفع اجحاف و تعدی جدیدی از آنها میشود. حالا که میخواهند با آنها همراهی کنند باید خیلی هم از دولت و وزارت مالیه متشکر باشیم. اما باید طوری بشود که از این راه یک موضوع اجحاف جدیدی پیش نیاید. بنده مقدمه این را هم عرض میکنم که یک قدری از طرز تحریر این مواد هم خوشم نمی آید. برای اینکه آقای وزیر مالیه خودشان معلم ادبیات هستند و میدانند که عبارات را باید طوری نوشت که مردم بهتر بفهمند.

دشتمی - مخبر نوشته وزیر مالیه که ننوشته اند

فهیمی - در این جا اول مبتدا را ذکر کرده بعد مستثنیات را بعد خبر را. در صورتیکه اگر مبتدا و خبر را اول می نوشتند بعد مستثنیات را شاید بهتر بود. اما در این ماده بخصوص ایراد بنده همان چیزی است که آقای مؤید احمدی این جا بیان فرمودند و آقای وزیر مالیه هم جواب ایشان را ندادند. یک جایی ابواب جمعی اشخاصی شده است. اشخاص، رئیس ایل یا حاکم تنها نمی توانند صاحب جمع باشند ممکن است. یک صاحب جمع بایک نفر تحصیلدار مالیات فلان قریه و ده را ابواب جمع او کرده باشند او هم مقداری وصول کرده و مقدارش باقی است مطابق قسمت الف باید تمام ابواب جمعی خودش را پرداخت کنند در صورتیکه یک مقداری از آنها هنوز در محل باقی است و از بیست تومان هم کمتر است اگر او بخواهد از محل بگیرد مطابق قسمت آخر ماده آن اشخاص معافند ولی مطابق قسمت

الف خود آن شخص باید بدهد و در این جا یک اجحاف و زیادداری نسبت به آن صاحب جمع میشود که آن مالیات هم بهمان دلایلی که خیلی از مالیات ها در آن سنوات مانده است تا کنون نتوانسته است بگیرد و بدهد مگر این که بگوئیم در قسمت الف مالیاتهای ابواب جمعی اشخاص آن چه را که از محل وصول کرده اند باید بدهند و معلوم شده آنچه را که وصول کرده اند و حساب دولت را تصفیه نکرده اند آنرا باید بدهند ولی آن چیزی را که در محل بواسطه همان موانعی که تا کنون بوده است وصول نکرده اند و اگر بیست تومان هم کمتر باشد امروز گرفتن آن برخلاف انصاف و عدالت است زیرا بموجب قسمت آخر ماده دیگر آنها نمیتوانند از محل وصول کنند اگر آقای وزیر مالیه موافقت فرمایند و بنده هم پیشنهادی کرده ام که نسبت بانهایی که ابواب جمعی دارند باندازه که از محل معلوم شود وصول کرده اند از آنها مطالبه شود و آنچه را که وصول نکرده اند مطابق قاعده اگر از بیست تومان کمتر است البته نباید از آنها مطالبه شود اگر از بیست تومان زیاد تر است مطالبه شود و البته آنچه ذکر کرده اند قبض مالیاتی داده اند هر چه قبض از آنها گرفته اند معین است آنچه را که قبض نداده اند و نکرده اند وصول هم نکرده اند از آنها زیاد گرفتن موافق عدالت نخواهد بود.

وزیر مالیه - بنده نمیخواستم و نمیخواهم ادعا کنم و صحبت از ارفاق بکنم آقایان بعضی خودشان فرمودند که در این لایحه ارفاق شده است مالا یحه آوردیم که حق دولت را از مردم بگیریم و ارفاقی هم که متضمن است البته خیلی خوب است و باید هم انسان نیت ارفاقی داشته باشد ولی لایحه را برای ارفاق نیاوردیم لایحه را برای این آوردیم که حقمان را بگیریم و یک قسمتی از حقمان را صرف نظر کنیم آنچه که قدیمی شده هیچ و باقی دیگر حقمان را بگیریم منتهی روی یک قواعدی بگیریم که مردم اجحاف نشود و حتی الامکان متضمن ارفاق باشد ولی خود لایحه

برای ارفاق نیست اما آن چیزی را که میفرمایند آقای فهیمی از هر موقعی که ما نظر داشته باشیم تجاوز میکنند بنده این ترتیب را نمیتوانم قبول کنم این ابوابجمعی نیست این شخص تحصیلدار مالیه نبوده است بنده صریحاً عرض میکنم چون بعضی اوقات سؤال میشد و توضیح میخواستند و اشکال پیش می آوردند که این فلان تحصیلدار است که از مردم مالیات گرفته بانه این جا صحبت تحصیلدار نیست ابوابجمعی صحبت اشخاصی است که مالیات را از دولت اجاره کرده بودند خلاصه اش این بوده است زمان قدیم معمول این بوده است حالا این در محل بوده است نگرفته است از مردم این را خیلی خوب ما قبول داریم اگر آنهایی را هم که زیادی گرفته از مردم بحساب دولت بنویسد بنده قبول دارم آنچه که گرفته دولت بگیرد آنچه را هم که زیادی گرفته بدهد فلان محلی که جزء جمعش در دفاتر دولت ده هزار تومان بوده است آن صاحب ابوابجمعی ما میدانیم پنجاه هزار تومان از آنجا گرفته مسلم و بطور قطع میدانیم که این طور گرفته است خود آنها هم يك جزء جمعی درست کرده اند و برای نوکرهای يك جزء جمعی درست کرده است و ده سال بیست سال هم همینطور گرفته است مثلاً فرض يك پنج قران هم در محل مانده این مقدار باقیمانده باید معلوم شود آقایان همه میدانند که خالصجات طهران قبل از مشروطیت ده سال اجاره بود حالا اگر مرور زمان را قائل نبودیم و میخواستیم حساب بکنیم حالا آن شخص میگفت که این خالصجات را که من سالی ده هزار تومان اجاره کرده بودم دویست هزار تومان گرفته ام حالا بیاید به بینید که چه چیز مانده است چه چیز نمانده است این ترتیب را مانعی توانیم قبول کنیم بنده عرض کردم که اگر در محل مانده است محاسبه اش را می بینیم و تصفیه میکنیم و این برای این است که دقت شود که آنچه که در محل مانده است معلوم شود و آن قسمتی را که میگوید از اقتدارش خارج شده معلوم شود فلان جارا غارت کرده اند این معین شود و به محاسبه اش رسیدگی کنند ولی از حالا بیائیم تکلیف

محاسبه اش را معین کنیم و بگوئیم که به قبوضیکه داده است رسیدگی شود اولاً قبوض معین این اشخاص نمیدادند بعضی میدادند بعضی نمیدادند این ترتیب قبض چاپی که نمره داشته باشد و این ترتیب ها معمول نبوده است آنوقت باید بگوید آنچه که در محل مانده نمیدم آنچه که گرفته ام میدم در این صورت از آن مالیاتی که از آن جا وصول شده که يك ربع آن بدولت میرسد و سه ربع هم آنها میبردند مانعیمتوانیم حالا تکلیف آن کار را معین کنیم این را ما کنار گذاشتیم اینهم عدد محدود و محدودی است والبته همچو عمومیتی ندارد سرکار اگر بقایای مالیاتی مردم را در این مملکت احصائیه بکنید در صندوق و پنجش آن است که خودشان يك بقایائی دارند آن بقایای قبل از ۱۳۰۲ را هم که مامعاف میکنیم و اینکه صحبت از غارت و اغتشاش و فتنه و اینها میفرمایند مخصوصاً بهش توجه شده ملاحظه بفرمائید این ۱۳۰۲ که در این جا نوشته شده این امنیت را که همه آقایان از آن تشکر میکنند و ذکرش میکنند از ۱۲۹۹ پیدا شده است و در ۱۳۰۲ دوسه سال بوده که امنیت بوده است والبته روز بروز کاملتر شده است و همانوقتی بوده است که میسیون آمریکائی بوده اند و دفاتر را منظم کرده اند و اشخاصیکه نداده اند دیگر نداده اند معذالك مانیکوئیم اینها تیکه نداده اند هرچه که مالیه میگوید بیائید بدهیدمی آید و به محاسبه اش رسیدگی میشود همانطور که برای اشخاصی که در قسمت (ج) معین شده است که محاسبه اش را قرار داد است و خلاص شود و با او هم يك ترتیبی داده شود و اگر بخواید که نباید و حسابش را تصفیه کند و ما در این قانون تکلیفش را معین کنم نمیشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - دو فقره پیشنهاد راجع به ماده اول رسیده قرائت میشود.

پیشنهاد آقای فرشی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ این بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول در قسمت (ج) بقایای خورده مالکین که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمیکند الی آخر ماده کلمه (خورده) حذف شود

پیشنهاد آقای مؤید احمدی و آقای امیر تیمور.

پیشنهاد میکنیم قسمت اول ماده بطریق ذیل اصلاح شود.

ماده اول - وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی سنواتی را تا آخر ۱۳۰۲ املاک را باستثنای موارد ذیل رئیس - ماده دوم قرائت میشود

ماده ۲ - مؤیدان مخیرند بقایای از سال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را ناسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مآخذ نتیجه ممیزی قانونی تصفیه نمایند.

(معارضی نبود)

رئیس - اشکالی نیست. ماده سوم قرائت میشود:

ماده ۳ - بقایای جنسی هر سنه به نرخ متوسط سه ماهه خرمن همان سنه مسعراً دریافت میشود و در صورتی که نرخ مزبور از نرخ کمیسیون در تبدیل مالیات جنسی بنقد تشخیص داده بیشتر باشد بنرخ مشخصه کمیسیون تنزل داده خواهد شد و در نقاطی که نرخ کمیسیون از نظر احتیاج ارضاقی تعیین نشده باشد حد اکثر نرخ ازاد متوسط پنجسال بدون آفت قبل از ۱۳۱۰ که کمیسیون مطابق ترتیب منظور در قانون معین نماید خواهد بود

(معارضی نبود)

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده ۴ - بقایای مالیاتی املاک مخروبه و شکسته که کسر و شکست ملک مورد تصدیق وزارت مالیه واقع باشد از مآخذ مالیات نتیجه ممیزی قانونی تصفیه و بقایای جنسی این قبیل املاک بنرخ روز پرداخت مسعراً مأخوذ خواهد شد.

رئیس - پیشنهادی در ماده چهار از آقای افشار رسیده است قرائت میشود.

پیشنهاد آقای افشار

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوکتہ بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۴ بقرار ذیل اصلاح شود:

بقایای مالیاتی هر سال املاک مخروبه و شکسته که کسر و شکست ملک مورد تصدیق وزارت مالیه باشد از روی عایدات همان سال مطابق مآخذ معینه در قانون مالیات املاک اربابی و دو اب مأخوذ و بقایای جنسی این قبیل املاک بنرخ روز پرداخت مسعراً دریافت خواهد شد.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود.

شریعت زاده - اجازه میفرمائید.

رئیس - در پیشنهادات شور اول مذاکره نمیشود.

شریعت زاده - بنده در ماده عرض داشتم.

رئیس - بفرمائید.

شریعت زاده - البته اساساً این ماده این طور بنظر می آید نسبت با املاکی که مخروبه شده است نسبت بمآکین آن مراعاتی بشود ولی تشخیص وضعیتی که موجب معافیت است فقط بنظر وزارت مالیه محول شده اگر يك ملکی حقیقه مخروبه بوده که همین وضعیت باعث معافیت است ولی مأمورین مالیه تشخیص نکردند هیچ مرجعی معین نشده که این شخص بکجا اعتراض کند بنده این مطلب را تذکر میدهم که راجع به اختلافاتی که بین اشخاص و وزارت مالیه در خصوص اجرای این ماده یعنی تشریح وضعیت این ماده پیدا میشود يك ترتیبی باید برایش معین شود.

وزیر مالیه - بنده از آقای شریعت زاده هیچ انتظار نداشتیم همچو ایرادی بفرمایند اما حالا شاید اشتباه کردند چه برای این ماده و چه برای تمام مواد و مسائل دیگر که بعد از این بیاید برای این قانون بنده صریحاً عرض میکنم یکدفعه و بطور اجمال که تمام اینها مرجع منحصر بفردش خود وزارت مالیه است هیچ مرجع دیگری دولت نمیتواند اتخاذ کند این جاحق حاکمیت دولت است مالیات گرفتن است مقصود این است که ما برای مالیات گرفتن هم به محاکمه برویم؟ بحکمیت برویم؟ این نوع چیزها بتصویب و رسیدگی مرجع دولتی خودش است و نمیشود در این جور چیزها مرجعیت خارجی را قبول کرد و به حکمیت تن در داد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده تصور میکنم بواسطه حسن عقیده که به آقای وزیر مالیه دارم میتوانم از ذکر جهت اینتشخیصی که ایشان دادند خود داری تنم و الا تفکیک اعمال دولت از اعمال تصدی و اعمال حاکمیت و بالاخره حد اعمال حاکمیت در امور از طرف دولت هیچوقت دلیل بر این نمیشود که آن عمل قابل اعتراض نباشد اصلاً در مالک دیگر برای قضاوت این که اعمال حاکمیت در حدود قانون اعمال شده است تصدیق میکنم که گرفتن مالیات جزء اعمال حاکمیت است اما مقننین همیشه برای اینکه قوانینیکه اعمال حاکمیت میکنند حسن استعمال بشود مجازاتی تعیین میکنند و این مواد از موادی است که باید برای کنترل در اعمال حاکمیت دولت تدوین شود برای اینکه همین قانون میگوید املاک مخروبه معاف است از مالیات. خرابه است یا نیست و باید معاف بشود یا نه باید تشخیص داده شود که اگر معلوم باشد که املاک در آن سنه خراب بوده است يك تشخیص بدهند و یا اینکه مأمورینی که مأمور قوه حاکمه هستند گفتند نیست تکلیفی باید برای آن معین کرد و در صورتیکه دلایل قطعی خلاف دارد بنده تصور میکنم که عرض بنده بيمورد نبوده است و چون بنده در مسائل در اطراف عقیده خودم یافشاری ندارم همانطوری که فرمودند ممکن است اشتباه کرده باشم خوب است رفع اشتباه فرمائید که چطور اعمال حاکمیت دولت نمیتواند کنترل شود و بالاخره حدی نداشته باشد؟

رئیس - آقای عراقی.

عراقی - بنده تصور میکنم در این ماده که آقای وزیر مالیه فرمودند که حق حاکمیت دولت. گرفتن مالیات البته حق حاکمیت دولت است ولی اگر اختلافی بین مؤدی و تحصیلدار مالیه واقع شود این اختلاف مربوط به شکست حق حاکمیت نیست اگر مابک مرجعی برای آن قائل شویم. حق حاکمیت عبارت از اخذ مالیات است ولسی در اختلاف بین مؤدی مالیاتی و گیرنده

مالیات که مأمور مالیه یا تحصیلدار یا هرکس باشد اگر ما برای آن يك مرجعی برای صحت و سقم طرفین قائل شویم لطمه به حق حاکمیت نرزد ما چرا؟ برای اینکه ما اگر بگوئیم که دولت برای گرفتن مالیاتش برود به محاکم البته حق با شما است و به حق حاکمیت دولت ما صدمه زده ایم ولی اینجا این نیست موضوع دوتا است آن شخص میگوید که من قبول دارم مالیات باید بدهم ماده هم میگوید املاکی که خرابی و شکست پیدا کرده باشد معاف است آن شخص میگوید خرابی پیدا کرده ولی وزارت مالیه میگوید که خرابی نداشته است مرجعی برای این اختلاف باید باشد که دوفتر تشخیص بدهند که اینکه من میگویم یا آنکه مالیه میگوید کدامش صحیح است این لطمه به حق حاکمیت میزند؟ بنده درست متوجه نشدم که مراد آقای وزیر مالیه از حق حاکمیت گفتن چه چیز بوده است و با اینکه این بوده است که اگر چنانچه اختلافی واقع شود بین مؤدی مالیات و تحصیلدار مالیه یا وزارت مالیه این لطمه میزند بحق مالکیت (بعضی از نمایندگان - حق حاکمیت) پس هیچ مؤدی مالیاتی نمیتواند بگوید اشتباهی شده است زیرا بمجرد اینکه بگوید وزارت مالیه یا تحصیلدار اشتباه کرده میگویند این لطمه زده است بحق حاکمیت ما نخواستیم محاکمه برای اصل مالیات بکنیم محاکمه برای اختلاف بین مؤدی و گیرنده مالیات است و این صدمه بحق حاکمیت نمیزند.

وزیر مالیه - بنده حرفی ندارم منظور ما یکی است و اینکه بنده عرض کردم اشتباه شده است برای این بوده است که منظور ما این است که هیچوجه ما نمی توانیم قبول کنیم که در این امر مرجعی غیر از وزارت مالیه باشد اگر منظور این است. اولاً حق حاکمیت دولت را بنده عرض نکردم که دولت با مردم در معاملات فرق دارد ولی يك فرقی هست دولت يك مستغلاتی را ب مردم اجاره میدهد یکی را میگویند ناشی از عمل تصدی دولت است ولی در يك قسمت ناشی از عمل

حاکمیت دولت است دولت خودش معین میکند که فلان کار باید بشود و قانونش هم از مجلس میگذرد آنچه که راجع به حق حاکمیت دولت است این مرجعش خود وزارت مالیه است این طور نباید باشد و اگر منظور آقایان این است که يك مقامی که خارج از مالیه و دولت باشد رجوع کنند بروند در يك جلسه که از علماء و معتمدین محلی و تجار معین میشود این غیر ممکن است و عرض میکنم محال است اما این که وزارت مالیه یا تحصیلدار گفت که خراب نیست و مؤدی گفت خرابه است این البته مرجع دارد این مرجع را لازم نیست که در قانون معین کنیم میرود نزد پیشکار مالیه در وزارت مالیه و بالاخره وزیر مالیه و کمیسون میکنند و البته آن ترتیبات و تشکیلات و قواعدی که هست برای رسیدگی رسیدگی میکنند البته تا امروز که این قانون نبود اگر کسی می آمد و میگفت مالیات من اینقدر نیست مگر مرجع نداشت؟ مرجع داشت اما این وزارت مالیه و طرف وقتی که اختلاف کردند پیش شخص ثالثی بروند این را نمیشود قبول کرد یعنی خارج از اصول است ولی البته بایستی مرجع داشته باشد مرجع هم دارد الان کسی بیاید بگوید که از من زیادی مالیات میخواهند یا این که ملك من خرابست مگر به حرف او ترتیب اثر نمیدهیم؟ البته رسیدگی میشود و تا بحال هم عمل شده است این است قصد بنده اگر منظور این است که اگر کسی آمد در محل و گفت که ملك من مخروبه است و تحصیلدار و مأمورین مالیه اختلاف کردند همینطور است و باید بشود که بوزارت مالیه باید مراجعه شود اما اگر نظر این است که بیک شخص ثالثی و بیک مرجع دیگری رجوع شود آن را بنده مخالفم و برخلاف اصول است

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود.

ماد ۵ - بقایای مالیاتی در هر سنه معادل يك برابر مالیات جاری همانسال از قرار اقساط مقرر در قانون متمم ممیزی وصول میشود و از حیث جرائم تاخیر تابع مقررات قانون مزبور خواهد بود.

رئیس - آقای شریعت زاده مخالفتی در این ماده دارید؟ شریعت زاده - خیر.

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ۶ - مالکین خالصجات انتقالی مکلفند بقایای سنواتی املاک خلاصه انتقالی را از سال ۱۳۰۲ لغایت ۱۳۰۶ بقرار جمع معمولی سابق با صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه که در نتیجه ممیزی قانونی تشخیص داده شده بپردازند و اقساط بقایا در هر سال معادل صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه اخذ میشود و املاک مزبور از سنه ۱۳۰۷ به بعد تابع مقررات قانون خالصجات انتقالی مصوب ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ و قانون متمم آن مصوب ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ خواهد بود و ماخذ تعبیر بقایای جنسی خالصجات انتقالی در قسمت املاک کسر و شکست دار مطابق ماده ۴ و در غیر آن برطبق ماده ۳ خواهد بود.

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - عرض میکنم این نمیدانم در ضمن عمل چه خواهد شد زیرا که فرض کنیم يك ملكی که خلاصه انتقالی است و در نتیجه ممیزی صدی پنجاه مالیات قانونی او تشخیص داده شده است و از این سر هم میگوئیم بقایای مالیات همچو ملكی صدی پنجاه خواهد بود و اگر کسی همچو ملكی داشت و باید از این راه اعاشه بکند صدی پنجاه را که باید مالیات بدهد صدی پنجاه هم که از بابت بقایای مالیات سنواتی سابق بدهد آنوقت برای او چه خواهد ماند و از چه راه باید اعاشه کند و باین جهت بنده عقیده ام اینست که این زیاد است و این را خوب است تقلیل بدهیم و بگوئیم قسمتی عایدات را بابت بقایای سنوات سابق بدهد و الا کسی که همچو ملكی دارد از چه راه باید اعاشه بکند و چه جور این ملك را اداره بکند.

وزیر مالیه - بنده باید عرض کنم که خیلی خوب ملتفت نشدم اشکال را این اشخاصی که خلاصه انتقالی دارند منال را باز خرید کرده اند و دیگر منال نمیدهند و همان صدی سه و نیم را میدهند و غیر از صدی سه و نیم

هم اگر بقایای از سابق داشته باشد باید بدهد اگر نخریده باشد البته باید بدهد و خینی نادر است بنده نمیدانم احصائیه را درست عرض کنم ولی خیلی کم شده است حالا اگر نخریده باشد البته باید هم مثال را بدهد و هم بابت بقایای مالیاتی سابق مثل اشخاصی که در ماده دیگری معین شده است که دو برابر مالیات خودشان میدهند او هم باید دو برابر مالیات خودش را بدهد

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود.

ماده ۷ - بقایای مالیاتی (اعم از اربابی و خالصه انتقالی) املاکی که بعد از تصویب اینقانون نقل و انتقال میشود از عایدات مالکانه دریافت خواهد شد ولی بقایای املاکی که قبل از این قانون نقل و انتقال شده باشد بر عبده مالکی خواهد بود که در موقع خود مالیات را نپرداخته است

(مخالفی نبود)

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده ۸ - بقایای سنواتی افراد ایل تا آخر ۱۳۰۱ به تخفیف منظور خواهد شد.

نسبت به بقایای از سنه ۱۳۰۲ به بعد ایلات و هم چنین نسبت به بدهی صاحبجمعان ایلات و املاک اعم از بقایای قبل یا بعد از ۱۳۰۲ وزارت مالیه مجاز است با ملاحظه وضعیت افراد ایل و صاحبجمعان رعایت مقتضی را از حیث اعطاء تخفیف و امهال بعمل آورده محاسبه سنواتی را تصفیه نماید.

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار در ماده هشت رسیده است.

پیشنهاد آقای اعتبار

تبصره ذیل را بماده ۸ پیشنهاد میکنم
تبصره - از هر تاریخی که ایلات با افراد آن تخت قابو شده و بشوند از همان تاریخ از پرداخت مالیات و بقایای ایل معاف و مطالبه نخواهد شد و تابع مقررات عمومی مالیات مزروعی خواهند بود

کاررونی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - پیشنهادی اگر دارید که فارسی باشد بفرمائید (خنده نمایندگان)

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود:

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی دامت عظمه بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ جمله (از بابت بذر و مساعده و مال الاجاره) حذف شود

رئیس - آقایانیکه با ورود در شور دوم این لایحه موافقت قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۷- تقدیم يك فتره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه]

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی دارید؟

وزیر مالیه - يك لایحه دارم به مجلس تقدیم میکنم موضوع عطف مهمی نیست یعنی مثل آن لوایحی است که ترتیب عمل را بشکل قانونی می آورد برای ترتیب عمل راجع به مخارج انبار است مخارج انبار را تا حالا از خودش باصطلاح از خود محل میدادند و ما حالا خیال کردیم که این ترتیب کاملاً مطابق ترتیب قانون محاسبات عمومی و

تمرکز عایدات و این ترتیب نیست این پیشنهاد شده است که آنچه که از آنجا برداشت میشد برود بوزارت مالیه و بودجه اش جزء وزارت مالیه باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است)

[۸- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر موافقت بفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده پنجشنبه چهارم آذر سه ساعت

قبل از ظهر دستور لوایح موجوده ولی قبل از تشریف بردن آقایان متذکر میشوم کمیسیون قوانین مالیه که مرجع این لایحه است و باید شور دوم در آنجا انجام بپذیرد و همچنین لایحه انحصار تریاک و دخانیات و بسیاری از لوایح دیگر که بان کمیسیون مربوط است مترصدیم که در این هفته کارشان را تمام کنند که بتوانیم در جلسه آتی مطرح کنیم (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر